

آن باده همان است اگر شیشه دگر شد<sup>۱</sup>

نقدی بر مقاله «تأملی در تحول مناظره از درخت آسوریک تا اشعار نیمایی»

عباس واعظزاده

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند

نگارنده چند سالی است که به مبحث انواع ادبی علاقه خاصی پیدا کرده است؛ از این رو هر از گاهی به جست‌وجو و مطالعه مقالات و کتاب‌های تازه منتشر شده در این حوزه می‌پردازد. وی در جریان همین جست‌وجوها با مقاله «تأملی در تحول مناظره از درخت آسوریک تا اشعار نیمایی» (۱۳۹۵)<sup>۲</sup> مواجه شد و با اندکی تورق در این مقاله دریافت که ظاهراً این مطالب را پیش از این، در مقاله‌ای دیگر نیز خوانده است. با مراجعه به آن مقاله، شک نگارنده به یقین تبدیل شد. این مقاله گزارشی است از کندوکاو در مقاله «تأملی در تحول مناظره از درخت آسوریک تا اشعار نیمایی» و ذکر موارد مقتبس آن از مقاله «مناظره در ادب فارسی» (شوشتری، ۱۳۸۹).<sup>۳</sup>

پیش از ذکر موارد مقتبس مقاله مورد بحث از مقاله متقدم خود، گفتنی است که نویسندگان مقاله مورد بحث در فهرست منابع از مقاله مأخذ خود نام برده و یک بار هم در متن مقاله بدان ارجاع داده‌اند (ص ۱۸۱)؛ ولی در پیشینه پژوهش، پس از ذکر نام دو مقاله، بدون اشاره به مقاله مذکور اظهار کرده‌اند: «البته تعدادی مقاله نیز درباره مناظره نگارش یافته و مناظره‌ها را به صورت تطبیقی بررسی کرده است. اما مستندات نشان داد که تاکنون تحقیقی درباره سیر مناظره‌ها در ادب فارسی انجام نگرفته است» (ص ۱۸۰). البته نویسندگان مقاله مورد بحث این به اصطلاح «مستندات» را در مقاله خود نیاورده‌اند و بر نگارنده مشخص نشد که منظور ایشان از این «مستندات» چیست. اما نگارنده با جست‌وجویی ساده توانست به چهار تحقیق که اختصاصاً در این زمینه (سیر

تحول مناظره در ادب فارسی) صورت گرفته است، دست یابد: ۱. *مناظره در شعر فارسی* (امیرنجیب مایل هروی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۶۴)؛  
 ۲. *مناظره در شعر فارسی (از آغاز تا پروین اعتصامی)* (سیدمهدی رحیمی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ۱۳۷۴)؛  
 ۳. *مناظره و سیر آن در ادب فارسی* (محمود باقری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد بیرجند، ۱۳۷۵)؛  
 ۴. *تأملی بر فن مناظره و سیر آن در گستره ادبیات فارسی* (علی سروری سلطانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد سبزوار، ۱۳۸۱).

در مورد مناظره تاکنون مطالب زیادی نوشته شده است؛ از مداخل دانش‌نامه‌ها و فرهنگ‌نامه‌های ادبی تا کتاب‌های انواع ادبی، مقالات و پایان‌نامه‌هایی که اختصاصاً به این گونه ادبی پرداخته‌اند. اما از انبوه منابع موجود درباره مناظره، شواهد نشان می‌دهد که نویسندگان مقاله مورد بحث منبع دست‌چندی همچون مقاله «مناظره در ادب فارسی» را - که نویسنده آن خود از منابع دیگری در تهیه آن بهره برده - پیش رو نهاده و عیناً یا با اندکی پس و پیش کردن و تغییر عبارات، از آن رونویسی کرده‌اند. برای مثال شوشتری در مقاله «مناظره در ادب فارسی» ذیل عنوان قدمت و سابقه مناظره در ادب جهانی آورده است:

در ادبیات غرب قدمت مناظره به دو اثر مشهور آرسیتوفانس، شاعر یونانی (۴۵۰ - ۳۸۵ ق.م) *غوک‌ها* و *ابرها* می‌رسد که اولی مناظره‌ای است بین دو شاعر و دومی بین حق و ناحق، اوج مناظره در سده‌های دوازدهم، سیزدهم و هفدهم میلادی بوده که هم در نثر و هم در نظم کاربرد داشته است (۱۳۸۹: ۶۲).  
 نویسندگان مقاله مورد بحث نیز همین عبارات را با اندکی تغییر در مقدمه مقاله آورده‌اند:

مناظره در ادبیات همه ملت‌های جهان مورد توجه بوده است. در ادبیات غرب قدمت آن به دو اثر مشهور آرسیتوفانس، شاعر یونانی (۴۵۰ - ۳۸۵ ق.م) «غوک‌ها» و «ابرها» می‌رسد که اولی مناظره‌ای است بین دو شاعر و دومی بین حق و ناحق است که در برابر هم قرار می‌گیرند [...] اوج این نوع شعر را در اروپای قرن دوازدهم و سیزدهم میلادی می‌دانند (صص ۱۷۹ - ۱۸۰).

شوشتری ذیل عنوان اساس و فلسفه شکل‌گیری مناظره نوشته است:

اگر بپذیریم که ژرف ساخت مناظره حماسه است، باید گفت احتجاجاتی که جنگجویان در معرکه نبرد در مقابل حریف می شمردند قابلیت روشنی است برای اهل فضل تا از این طریق موضوع مناظره را در نظم و نثر خویش همراه با توانمندی و هنرنمایی های شاعرانه قرار دهند. نظیر مناظره خسرو و فرهاد که از زیباترین بخش های منظومه خسرو و شیرین نظامی است (۱۳۸۹: ۶۱).

نویسندگان مقاله مورد بحث نیز ذیل عنوان تعریف مناظره عیناً و بی کم و کاست همین عبارات را آورده اند (ص ۱۸۱).

در مقاله شوشتری ذیل عنوان شکل و قالب مناظره می خوانیم:

اگرچه در شعر فارسی مناظره شکل و قالب خاصی ندارد، از سده پنجم هجری جز قصیده قالب های غزل، قطعه، مثنوی و دوبیتی نیز برای سرایش مناظره رواج یافت. نظامی در آسمان منظومه های غنایی آن چنان پر و بال گشوده است که کمتر کسی را یارای دسترسی بدوست. بدیهی است که وی قالب مثنوی را از آن روی عرصه و جولانگاه مناظرات خویش قرار داده است که بتواند شاهکارهای خود را بر بام ادب دنیا بنشانند. اما از آنجا که سرآمد قالب شعری در دوره عراقی غزل است، عمده مناظرات این سبک نیز در هیئت غزل آمده است؛ چنانچه [چنان که] کمال خجندی، حافظ، سعدی و خواجوی کرمانی راست (۱۳۸۹: ۶۳).

در مقاله مورد بحث نیز ذیل همان عنوان، با همین جملات (با اندکی تغییر) مواجه می شویم:

اگرچه در شعر فارسی مناظره شکل و قالب خاصی ندارد، از سده پنجم هجری جز قصیده قالب های غزل، قطعه، مثنوی و دوبیتی نیز برای سرایش مناظره رواج یافت. شاعر پر آوازه گنجه، نظامی قالب مثنوی را جولانگاه مناظرات خویش قرار داده است. از آنجا که سرآمد قالب شعری در دوره عراقی غزل است، عمده مناظرات این سبک نیز در هیئت غزل آمده است؛ چنان که کمال خجندی، حافظ، سعدی و خواجوی کرمانی در این قالب طبع آزمایی کرده اند (ص ۱۸۱).

مناظره در ادبیات معاصر عنوان بخش دیگری از مقاله شوشتری است که درباره آن چنین آمده است:

در ادبیات کلاسیک و نیز در ادبیات معاصر نمونه‌های فراوانی از مناظره به‌عنوان فرصتی برای ترویج افکار اخلاقی و آموزشی وجود دارد؛ در مقام این سخن ملک‌الشعراى بهار و تالی وی پروین اعتصامی می‌باشند. ابتکارات خاص بهار، در انتخاب مصادیق مناظره نشانگر قدرت ذوق و توانایی بالای وی در ادب معاصر است [...] پروین در این باب چون سایر قالب‌های شعری‌اش، رویکردی مؤثر به بهار دارد. مناظرات زیبا و آموزنده‌ی وی از زبان اشیا، پرندگان و عناصر طبیعت، آن چنان در متن اشعارش پایدار شده است که در اغلب قطعات و مثنوی‌هایش این شیوه را به‌کار گرفته است (۱۳۸۹: ۶۵).

در مقاله‌ی مورد بحث باز هم ذیل همان عنوان، شاهد همان جملات با کمی تغییر هستیم:

در ادبیات معاصر، نمونه‌های فراوانی از مناظره، به‌مثابه‌ی ابزاری برای ترویج افکار اخلاقی و آموزشی قابل ردیابی است. ملک‌الشعراى بهار و تالی وی پروین اعتصامی از شاعرانی هستند که در این نوع از سخن‌سرایی از توانایی‌های خاصی بهره‌مندند. ابتکارات خاص بهار، در انتخاب مصادیق مناظره، نشانگر قدرت ذوق و توانایی بالای وی در این فن است [...] پروین نیز در این باب چون سایر قالب‌های شعری‌اش به بهار توجه دارد. مناظره‌های زیبا و آموزنده‌ی وی از زبان اشیا، پرندگان و عناصر طبیعت، آن چنان در متن اشعارش استوار شده است که در اغلب قطعات و مثنوی‌هایش به‌کار گرفته شده است (ص ۱۸۶).

نمونه‌های دیگری از این دست در مقاله‌ی مورد بحث دیده می‌شود که برای به درازا نکشیدن سخن، خوانندگان را به عناوین و صفحات دو مقاله ارجاع می‌دهیم: «مناظره در شعر نیمایی» (ر.ک: شوشتری، ۱۳۸۹: ۶۶؛ مقاله‌ی مورد بحث: ۱۸۷) و «مناظره در نثر پارسی» (ر.ک: شوشتری، ۱۳۸۹: ۶۶؛ مقاله‌ی مورد بحث: ۱۸۸).

نویسندگان مقاله‌ی مورد بحث فقط در مبحثی با عنوان اساس و فلسفه‌ی شکل‌گیری مناظره، به مقاله‌ی شوشتری ارجاع داده‌اند که آن هم به‌شکل نقل‌قول غیرمستقیم (بدون گذاشتن گیومه) است؛ در حالی که عبارات همان عبارات است و فقط چند کلمه تغییر یافته است؛ مثلاً «دکتر محمد غنیمی هلال» و «به احتمال» (شوشتری، ۱۳۸۹: ۶۱) به‌شکل

«محمد غنیمی هلال» و «به احتمالی» (ص ۱۸۱) آورده شده است و نیز چند تغییر ویرایشی.

متأسفانه، این روزها با فزونی گرفتن ظرفیت مقاطع تحصیلات تکمیلی و ترغیب یا اجبار دانشجویان این مقاطع به نگارش مقاله‌های پژوهشی و چاپ آن‌ها و بعضاً نداشتن آشنایی کافی این دانشجویان با اصول و دقایق تحقیق، شاهد موارد بسیاری از این دست پژوهش‌ها هستیم. سهل‌انگاری استادان راهنما در تأیید این مقالات و همکاری و ترغیب ایشان جهت ارسال چنین مقالاتی به مجلات از یک سو و داوری سرسری و غیرموشکافانه بعضی از داوران و بی‌دقتی سردبیران مجلات در تعیین داوران متخصص و آگاه بر پیشینه تحقیق هر حوزه از سوی دیگر، از دیگر دلایل افزایش مقالاتی از این قبیل است.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. آن باده همان است اگر شیشه دگر شد/ بنگر که چه خوش بر سر خمّار برآمد (مولوی)
۲. محمدی‌بدر، نرگس و هاشم مهدی‌زاده (۱۳۹۵). «تأملی در تحول مناظره از درخت آسوریک تا اشعار نیمایی». *فنون ادبی*. س ۸، ش ۱۴. صص ۱۷۹ - ۱۹۰.
۳. شوشتری، مرتضی (۱۳۸۹). «مناظره در ادب فارسی». *کیهان فرهنگی*. ش ۲۹۰ - ۲۹۱. صص ۶۰ - ۶۶.

ذکر این نکته لازم است که نویسنده این مقاله مدعی هیچ حرف تازه‌ای در خصوص مناظره نیست و صرفاً اطلاعاتی را درباره مناظره، جهت آشنایی مخاطبان عام مجله‌ای غیرتخصصی با این نوع ادبی و تاریخیچه آن، از منابع دیگر گرد آورده است.